

تأثیر تداخل زبانی مثبت در یادگیری زبان عربی

*مصطفی رسولی نژاد^۱

سید رضا میراحمدی^۲

حبیب کشاورز^۳

چکیده

ارتباط بین ایران و کشورهای عربی و وام‌گیری از زبان‌های یکدیگر باعث بروز بسیاری از تشابهات در نظام زبانی فارسی و عربی شده است. از جمله مسائل مهم به وجود آمده در این ارتباط، پدیده «تداخل زبانی» است که در هنگام استفاده از زبان عربی پدیدار شده و بر فرایند آموزش و یادگیری زبان عربی تأثیر می‌گذارد. تداخل موجود بین این دو زبان، دو تأثیر مثبت و منفی به همراه دارد. با وجود تأثیرات منفی تداخل، به‌منظور تسهیل در امر آموزش و یادگیری زبان عربی می‌توان از جنبه‌های مثبت این پدیده بهره کافی گرفت. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی با هدف تبیین تداخل مثبت زبانی، به استخراج تشابهات موجود در واج، واژگان و دستور دو زبان و مقایسه آن‌ها پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از واژگان عربی در فارسی دچار تغییر یا تحول معنایی نشده و معنایی یکسان در دو زبان دارند. این عدم تغییر و تحول معنایی باعث یادگیری آسان‌تر برخی واژگان دخیل خواهد شد. از طرفی برخی تشابهات دستوری در دو زبان وجود دارد که با بهره‌گیری اساتید و مدرسان زبان عربی از این تداخلات دستوری مشابه و موجود بین دو زبان، فرایند آموزش تسهیل می‌شود. یادگیرنده زبان دوم همیشه دنبال راهی می‌گردد که یادگیری را برای خود آسان‌تر و جذاب کند؛ بنابراین با استفاده بیشتر از این تشابهات و یادآوری آن به یادگیرنده در هنگام آموزش، رغبت وی به یادگیری زبان عربی افزون‌تر خواهد شد.

واژگان کلیدی: تشابهات میان زبانی، تداخل زبانی، تداخل مثبت، آموزش زبان عربی.

^۱ نویسنده مسئول دانشجوی کارشناسی ارشد ترجمه عربی دانشگاه سمنان و دبیر آموزش و پرورش شهرستان مهدی‌شهر

۰۹۱۰۰۳۲۴۴۳۴, m.rasoulinejad74@semnan.ac.ir

^۲ دکترای تخصصی، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، amirahmadi@semnan.ac.ir, ۰۹۱۳۲۶۰۶۳۷۷

^۳ دکترای تخصصی، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، hkeshavarz@semnan.ac.ir, ۰۹۱۲۴۷۸۹۶۴۹

تاریخ درخواست ۱۴۰۰/۰۴/۰۳ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۷/۲۱

مقدمه

تداخل یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در امر یادگیری و آموزش زبان است. از دیرباز زبان‌شناسان و پژوهشگران بسیاری به این موضوع پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که تداخل زبانی در زمان یادگیری و استفاده از زبان دوم پدیدار می‌شود. به عبارت دیگر، زمانی که فردی بخواهد در کنار زبان اول یا مادری خود زبان دومی را فرا بگیرد، با این پدیده مواجه خواهد شد. او تاکنون به زبان مادری خود صحبت می‌کرده و به آن تسلط داشته است. طبیعتاً در ابتدای یادگیری زبان دوم به‌طور ارادی یا غیرارادی واژگان و قواعد زبان مادری خود را در زبان دوم وارد می‌کند. به عبارتی، او می‌خواهد با کمک زبان اول، زبان دوم را فرا بگیرد. آنچه مسلم است، این است که تداخل عاملی مؤثر در یادگیری زبان دوم محسوب می‌شود. برخی از صاحب‌نظران در مقولهٔ زبان‌شناسی این تأثیر را منفی ارزیابی کرده‌اند؛ اما برخی دیگر مانند فلیکس^۱ این عامل را مثبت ارزیابی کرده‌اند.

ایران و کشورهای عربی از گذشته تاکنون ارتباط و دادوستدهای فراوانی چه از نظر فرهنگی، تجاری، نظامی و اجتماعی با هم داشته‌اند؛ بی‌شک این ارتباط در زبان آن‌ها نیز تأثیرگذار بوده است و می‌توان وام‌گیری و اقتباس را دستور این ارتباط دوجانبه دانست. در نتیجه، این اقتباس از زبان یکدیگر موجب تشابه در واج، واژگان و دستور یکدیگر می‌شود؛ با آنکه این دو زبان از یک خانواده زبانی نبوده و تقریباً قرابت و خویشاوندی بین آن‌ها وجود ندارد.

شایان ذکر است که این تداخل در مراحل اولیهٔ یادگیری زبان به زبان‌آموز بسیار کمک خواهد کرد و تا حدودی یادگیری را سرعت می‌بخشد و در ادامه با حاصل شدن تسلط نسبی در زبان عربی، یادگیرنده قادر خواهد بود بین تشابهات و تفاوت‌های موجود بین دو زبان تمیز قائل شود. تداخل موجود بین فارسی و عربی با توجه به تشابهات و تفاوت‌ها، هم جنبه مثبت و هم جنبه منفی دارد. در این مقاله با هدف تبیین موضوع تداخل مثبت و تأثیر آن در یادگیری زبان عربی، پنج محور مرتبط با موضوع بررسی می‌شود که عبارتند از: تداخل در دیدگاه زبان‌شناسان، تداخل زبانی مثبت و منفی، تشابه واجی، تشابه واژگانی و تشابه دستوری. با تکیه بر این محورها، به دنبال پاسخ برای این دو سؤال هستیم: الف. تداخل بین فارسی و عربی چه ابعاد و انواعی دارد؟ ب. چه تشابهات واجی، واژگانی و دستوری بین دو زبان فارسی و عربی وجود دارد؟

^۱ Gelix

پیشینه پژوهش

در رابطه با تداخل موجود بین فارسی و عربی پژوهش‌های ارزشمندی در مجلات مختلف علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی چاپ شده است. مقالاتی مانند «وام‌واژه‌های عربی در فارسی، بررسی تحولات آوایی و معنایی» تألیف حیات عامری، مقاله «تداخل زبانی و دگرگونی معنایی وام‌واژه‌های عربی و جنبه‌های تأثیر آن بر ترجمه از عربی» تألیف مشترک علیرضا نظری و زهره اسدالله پورعراقی. در این دو مقاله ابتدا تداخل را شرح داده و سپس با استخراج وام‌واژه‌ها، تحولات معنایی آن‌ها را بررسی کرده‌اند. مقالات دیگری نیز در این راستا، تحت عنوان «تداخل و تأثیر آن در نگارش عربی دانشجویان فارسی‌زبان» تألیف مشترک نرگس گنجی و مریم جلائی پیکانی و مقاله «نقش تداخل در پیدایش خطاهای نحوی در نگارش فارسی آموزان عرب‌زبان» تألیف مشترک رضوان متولیان نائینی و عباس استوار ابرقونی، چاپ شده است. این مقالات نیز ابتدا تداخل را از حیث نظری و زبان‌شناسی بررسی کرده، سپس جنبه‌های تداخلی موجود بین دو زبان و در ادامه تأثیر تداخل در خطاهای دستوری زبان‌آموزان را ارزیابی کرده‌اند؛ اما از آنجایی که پژوهش ما در زمره پژوهش‌های آموزش زبان قرار می‌گیرد، در مجله علمی - ترویجی رشد آموزش زبان، مقالاتی مانند «مسئله تداخل در یادگیری زبان خارجی» تألیف حسین حسینیان و مقاله «تأثیر تداخل زبان مادری در آموزش زبان دوم» تألیف رزیتا عیلاتی به چاپ رسیده است. در این مقالات بیشتر به کلیاتی درباره تداخل و تأثیر آن در آموزش و یادگیری زبان دوم پرداخته‌اند؛ اما ویژگی مشترک تمام این پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه تداخل، این است که آن‌ها تداخل منفی را بررسی و ارزیابی کرده‌اند؛ در واقع آن‌ها دیدگاهی منفی به مسئله تداخل داشته‌اند. با این توضیحات باید اشاره کرد که پژوهشی که در آن جنبه مثبت تداخل بین فارسی و عربی و تشابهات بین آن‌ها بررسی شده باشد، انجام نگرفته است.

روش تحقیق

در این مقاله تلاش کرده‌ایم تا با بهره‌گیری از اطلاعات و معلومات موجود در منابع و مراجع مختلف، توصیف و تحلیل آن‌ها به نتایج مطلوب نائل آییم. تکیه ما در این پژوهش بر منابعی چون کتاب «زبان‌شناسی کاربرده و علم زبان‌آموزی» از روبرو گالیسون و دنی ژیرار، ترجمه الله‌وردی آذری نجف‌آبادی، کتاب «عربی در فارسی» خسرو فرشیدورد و کتاب «دستور تطبیقی» عباسعلی وفایی است.

۱. تداخل در دیدگاه زبان‌شناسان

در این مبحث برای ورود به موضوع اصلی، ابتدا تعاریفی را که برخی زبان‌شناسان در خصوص تداخل زبانی ارائه کرده‌اند، بیان می‌کنیم:

تداخل به‌طور کلی، چنانچه یادگیری اول بر یادگیری دوم تأثیر داشته باشد، در روان‌شناسی کاربرده آن را تداخل می‌نامند (گالیسون^۱ و ژیرار^۲، ۱۳۶۶: ۷۶). اصطلاح تداخل به معنای تغییر ساختارهای زبانی است که از ورود عناصر بیگانه به عرصه‌های بسیار ساختارمند زبان، مانند مجموعه نظام واجی، بخش اعظمی از صرف و نحو و عرصه‌هایی از واژگان (خویشاوندی، رنگ، زمان و مانند آن‌ها) ناشی می‌شود (عامری، ۱۳۹۶: ۹۲). تداخل را نوعی انتقال خودکار و

¹ Gallison

² Girard

غیرارادی از ساختار زبان اول روی سطح ساختاری زبان خارجی، به علت تداخل عادت‌ها، تعریف کرده‌اند (قناعت‌پیشه، ۱۳۸۵: ۱۳).

آنچه از این تعاریف حاصل می‌شود، این است که تداخل پدیده‌ای رایج و معمول است و در زمان یادگیری زبان دوم، عناصر زبانی (واجی، واژگانی، دستوری) موجود در زبان اول به صورت ارادی یا غیرارادی به زبان دوم وارد شده و بر ساختار آن زبان تأثیر می‌گذارد.

تداخل زبانی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- **تداخل واجی:** تداخلی که از زبان مادری ناشی می‌شود و در هیچ زمینه‌ای، واضح‌تر از تداخل در دستگاه صوتی نیست. تداخل‌های زبانی مربوط به یادگیری آهنگ جمله، نوای گفتار، عادت‌های فردی، تکیه و لهجه افراد از این دسته است (گالیسون و ژیرار، ۱۳۶۶: ۷۶).

۲- **تداخل واژگانی:** از جمله مسائل مهم دیگر که در ارتباط و تداخل دو زبان فارسی و عربی از نمود و برجستگی مشهودی برخوردار است، تداخل واژگانی و به اصطلاح واژگان دخیلی است که تا حد بسیار زیادی زبان فارسی را به لحاظ واژگانی متأثر از زبان عربی ساخته است. این واژگان در طی دوره‌های مختلف و به صورت مداوم به فارسی وارد شده است و برخی تغییر معنا نداده‌اند و در غالب متون، کاربرد معنایی مشابه عربی دارند (نظری، ۱۳۹۳: ۴۹).

۳- **تداخل دستوری:** اساسی‌ترین تأثیری که زبان مادری بر زبان دوم می‌گذارد، این است که زبان‌آموز ابتدا قواعد و دستور زبان مادری خود را آگاهانه یا ناآگاهانه (در مدرسه یا در سن پیش از آن) فرامی‌گیرد و وقتی یادگیری زبان دیگری را شروع می‌کند، می‌خواهد این دستورهای از پیش آموخته را در زبان‌های دیگر هم به کاربرد (عیلانی، ۱۳۸۰).

هر سه نوع تداخل کاملاً در یادگیری عربی برای فارسی‌زبانان مشهود و معمول است؛ تداخل واجی بر کل زبان و خط فارسی تأثیر گذاشته است؛ اما به نظر می‌رسد تداخل دستوری و واژگانی چالش بیشتری برای زبان‌آموزان داشته باشد؛ زیرا این دو تداخل از جامعه آماری و نمود بیشتری برخوردار هستند؛ زیرا رویکرد غالب مدرسان بر قواعد عربی است و با ارائه مطالب زیاد در این زمینه و عدم استفاده از تشابهات تا اندازه‌ای امر یادگیری را برای دانش‌آموزان سخت می‌کنند و پیوسته دانش‌آموزان از این مسئله ابراز ناراحتی می‌کنند. هنگامی که مکالمه عربی از آن‌ها پرسیده می‌شود، مشاهده می‌شود که آن‌ها صرف و نحو زبان فارسی را وارد زبان عربی می‌کنند. درحالی که اگر استاد یا مدرس به این تشابهات توجه کند، می‌تواند قواعد عربی را ساده‌تر و قابل فهم‌تر تدریس کند.

۲. تداخل زبانی مثبت و منفی

از لحاظ اثرگذاری، تداخل را به تداخل مثبت یا منفی تقسیم کرده‌اند: **تداخل مثبت**، زمانی اتفاق می‌افتد که زبان «الف» باعث سهولت یادگیری زبان «ب» شود. در **تداخل منفی** زبان «الف» موجب تأخیر و مانع یادگیری زبان «ب» می‌گردد (الملکی، ۱۴۲۶ ق: ۶۰ و ۶۱).

اکثر دست‌اندرکاران آموزش و اساتید زبان‌های خارجی بر این عقیده‌اند که این تأثیر جنبه منفی و بازدارنده دارد. به عبارت دیگر، زبان مادری مانعی بر سر راه یادگیری زبان خارجی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، باور و عقیده عمومی در مورد نقش منفی و بازدارنده زبان اول در یادگیری زبان دوم (خارجی) توسط فردی به نام فلیکس در مقاله‌ای تحت عنوان «دو مشکل یادگیری زبان و اهمیت بررسی‌های ساختاری در نظریه میان‌زبانی» مورد انتقاد قرار گرفته و او تأثیر آن را شدیداً مورد تردید قرار می‌دهد. به گفته فلیکس «داده‌های موجود در زمینه فراگیری ساختارهای نحوی در یک محیط طبیعی دال بر آنند که تداخل و نقش زبان اول در یادگیری زبان دوم (خارجی) مشکل اصلی نیست. لذا بسیار بجا خواهد بود که نظریه تداخل زبانی به عنوان یک پدیده طبیعی و اجتناب‌ناپذیر نادیده گرفته شود» (پالیزر، ۱۹۷۰، به نقل از حسینیان، ۱۳۶۶: ۸).

عیلانی در مقاله خود این‌گونه بیان می‌کند: «برخی از صاحب‌نظران این تأثیر را مثبت ارزیابی می‌کنند و آشنایی و تجربه با ماهیت زبان مادری را کمکی می‌دانند که برای آگاهی زبان‌آموز با ماهیت زبان دوم مفید است» (عیلانی، ۱۳۸۰: ۷). این گروه معتقدند تجربه و شناخت بزرگسالان از زبان مادری به آن‌ها کمک می‌کند تا از مراحل اولیه مانند آواسازی و ساخت‌های ابتدایی سریع‌تر بگذرند و یا آن‌ها را حذف کنند.

بین دو زبان فارسی و عربی تداخل موجود کاملاً واضح و آشکار است. چنین تداخلی شاید به گمان برخی منفی تلقی شده و مانع یادگیری محسوب شود. با بررسی دقیق می‌توان گفت که در مراحل ابتدایی یادگیری، این تداخل کمک شایانی به زبان‌آموز کرده و او می‌تواند در مراحل بعدی با افزایش اطلاعات و آگاهی این شباهت‌ها را تحکیم بخشیده و آن‌ها را از تفاوت‌ها جدا کند.

اما یکی از مسائل مهمی که زبان‌شناسان در بررسی زبان‌ها به آن توجه کرده‌اند، تشابهات زبانی است. جین اچیسون^۱ در کتاب مبانی زبان‌شناسی خود این موضوع را اینگونه مطرح می‌کند: «تقریباً همه زبان‌شناسان در جستجوی تشابهات زبانی هستند، زیرا جستجوی همگانی‌های زبان یکی از عمده‌ترین هدف‌های زبان‌شناسی است.» سه عامل اصلی وراثتی، ناحیه‌ای و رده‌شناختی دلایل اصلی خصوصیات مشترک بین زبان‌ها را تشکیل می‌دهند. با توجه به این نکات و بررسی‌های انجام شده، تشابهات بین فارسی و عربی از جنبه ناحیه‌ای است. تشابهات ناحیه‌ای با تماس زبان‌های مجاور با یکدیگر حاصل می‌شود. همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، این دو زبان از یک خانواده زبانی نیستند؛ پس تشابه وراثتی ندارند؛ زیرا «تشابه وراثتی هنگامی مطرح می‌شود که زبان‌ها ریشه مشترکی داشته باشند. تشابهات رده‌شناختی هم هنگامی است که کل زبان‌ها متعلق به یک رده کلی یکسان باشند» (اچیسون، ۱۳۷۱: ۲۳۲ و ۲۳۳).

۳. تشابه واجی

واج در زبان‌شناسی کوچک‌ترین جزء مشخص کلام است و با تغییر هر واج تفاوت معنایی ایجاد می‌شود. تفاوت واج و حرف در این است که واج صورت ملفوظ و حرف صورت مکتوب است. در زبان فارسی ۲۹ واج وجود دارد که به دو دسته صامت (۲۳ واج) و مصوت (۶ واج) تقسیم می‌شوند. به‌طور کلی ما در همه حروف به جزء *پ/ا/چ/ا/ژ/ا/گ/* که در عربی فصیح یا کلاسیک وجود ندارد؛ شباهت داریم (در زبان عربی به واج، الحروف الهجائیة می‌گویند). برخی از

¹ Jean Aitchison

این صامت‌های مشترک در زبان فارسی بر خلاف زبان عربی به صورت یکسان تلفظ می‌شوند؛ مانند /ء، ع، ا، ت، ط، /، ا، ث، س، ص، /، اح، ه، /، ذ، ز، ض، ظ، /، اغ، ق / درحالی که هر کدام از این حروف در زبان عربی به نوع خاصی تلفظ می‌شوند.

دلیل تشابه واجی را باید در واژگان بی‌شمار عربی که وارد فارسی شده‌اند، جستجو کرد و این موضوع موجب شده است که نظام واجی و آوایی زبان فارسی تحت تأثیر زبان عربی قرار گیرد (صادقی، ۱۳۸۶: ۷۲).

خلاصه اینکه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که می‌توان از آن به‌عنوان عاملی مناسب برای یادگیری زبان عربی برای فارسی‌زبانان تلقی کرد، تشابه واجی بین دو زبان است.

اشاره به خط فارسی و چگونگی تدوین آن نیز در روند شکل‌گیری واج بسیار حائز اهمیت است. در شکل‌گیری زبان فارسی نو در چارچوب تمدن عربی اسلامی، ایرانیان زبان فارسی را با خط عربی تدوین کردند و این تدوین خط فارسی با تأثیرپذیری از خط عربی به اواسط قرن سوم هجری برمی‌گردد. به‌طوری که پس از فتح ایران به دست مسلمانان، زبان عربی زبان تألیف، زبان حکومت، زبان دین و زبان زندگی شد و کاربرد زبان فارسی کم شد و در نتیجه ایرانیان با دوگانگی زبانی روبه‌رو شدند (فهمی حجازی، ۲۰۰۶ م: ۲۳۵ و ۲۳۶).

نکته مهم دیگر این است که واج از خط تأثیر می‌پذیرد و خط فارسی نیز از زبان عربی تأثیر پذیرفته است؛ بنابراین همین مسئله دلیلی بر تشابهات واجی محسوب می‌شود. این تشابه سبب می‌شود زمانی که یک فارسی‌زبان که قصد یادگیری زبان عربی را دارد، در اولین مرحله از یادگیری زبان یعنی یادگیری واج زبان عربی، سریع‌تر پیش رود؛ به این دلیل که او با واج‌های این زبان تا حد زیادی آشنایی و شناخت دارد و فقط باید نحوه تلفظ برخی از واج‌ها را که در بالا به آن‌ها اشاره شد، بیاموزد تا بتواند پیام خود را به‌درستی انتقال دهد.

ذکر این نکته خالی از فایده نیست که در آموزش صورت‌های آوایی باید همه صامت‌ها (حروف عربی) به صورت صحیح تلفظ شوند و زبان‌آموز پس از شنیدن دقیق، آن‌ها را تکرار کرده و سپس روش نوشتن آن‌ها را بیاموزد (اکبری، ۱۳۹۱: ۱۴۹). متأسفانه بعضاً به این موضوع در آموزشگاه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها توجه کافی نمی‌شود و حروفی را که باید به شیوه خاصی تلفظ شوند، با همان صورت فارسی تلفظ می‌کنند. این بی‌توجهی، در یادگیری اثر منفی می‌گذارد. همچنین باعث می‌شود که در زمان صحبت کردن با یک فرد عرب‌زبان نتوانیم حروف را خوب تلفظ کنیم؛ در نتیجه معنا را به‌درستی انتقال نمی‌دهیم.

۴. تشابه واژگانی

مجموعه حروفی که یک واحد را تشکیل دهند، واژه یا کلمه نام دارد. واژگان بخش مهمی از زبان را تشکیل می‌دهند و هسته اصلی حامل معنا در زبان محسوب می‌شوند. بر این اساس، چگونگی کاربرد واژگان در هر زبانی از اهمیت بالایی برخوردار بوده و از ویژگی‌های هر زبانی این است که واژگانی خاص در آن وجود دارد و در زبان دیگر نیست. زبان‌ها در تعداد واژگان نیز باهم تفاوت دارند؛ مثلاً تعداد واژگان زبان عربی بسیار بیشتر از زبان فارسی است. با توجه به اینکه زبان فارسی و عربی از یک خانواده زبانی نیستند و زبان فارسی از خانواده زبان‌های هندی - اروپایی و عربی از خانواده

سامی است، این تشابه چگونه به وجود می‌آید؟ هیچ خویشاوندی و قرابتی بین آن‌ها وجود ندارد؛ اما روابط فرهنگی موجود بین دو زبان باعث شده که از یکدیگر الفاظ و واژگان بسیاری را وام بگیرند (العزای، ۱۳۹۲: ۱۶۹). طبق آماری که متخصصان ارائه کرده‌اند، در قرن ششم حدود ۵۰ درصد از واژگان فارسی، واژگان عربی بوده است.

وام‌واژه‌ها

نکته مهم در تشابه واژگانی، اقتباس و وام‌واژه‌ها هستند. مسئله اقتباس و وام‌گیری واژگان از زبان‌های دیگر امری ناپسند و غیرمعمول نبوده و نیست؛ بلکه از گذشته تاکنون عادی و رایج بوده است. نحوی در کتاب فرهنگ وام‌واژه‌های عربی در فارسی می‌گوید: «مسئله ارتباط زنده و پویای یک قوم و یک زبان با اقوام و السنه دیگر جهان، جهت تبادل اندیشه‌ها لزوماً تداخل واژه‌ها را باعث می‌گردد و این ورود و خروج الفاظ را نباید برای قوم پذیرنده موجب نگرانی دانست و برای قوم دهنده، انگیزه تفاخر. الا اینکه این توارد و تداخل به جهت نیاز رشد اندیشه‌ها انجام نگرفته باشد» (نحوی، ۱۳۶۸: ۱۰). همچنین خانلری معتقد است که چنانچه در زبان ملتی واژه‌های بیگانه وجود نداشته باشد، دلیل آن است که نتوانسته است در تاریخ حیات خود روابط مادی و معنوی برقرار کند و این نه تنها سرافرازی نیست بلکه مایه سرافکنندگی است (ناتل خانلری، ۱۳۶۵: ۱۳۵). پیداست که بزرگان زبان فارسی این اقتباس و وام‌گیری را تمجید کرده‌اند. پس نباید سعی در پیراستن زبان فارسی از وام‌واژه‌ها داشته باشیم؛ چرا که مسئله‌ای بی‌فایده و ناپسند است.

با توجه به اینکه ایران با تعدادی از کشورهای عربی هم‌مرز است، از دیرباز بین ایران و کشورهای عربی رابطه دوجانبه برقرار بوده؛ چه از لحاظ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... که همین موضوع باعث شده تا دو طرف تبادل واژگانی زیادی باهم داشته باشند.

وام‌گیری زبان فارسی از واژگان زبان عربی بسیار بیشتر و گسترده‌تر از وام‌گیری زبان عربی از واژگان زبان فارسی است. از همین رو تعداد قابل توجهی از واژگان عربی وارد زبان فارسی شده است.

به‌طور کلی این وام‌واژه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- کلماتی که معنای خود را حفظ کرده‌اند، مانند کتاب، مکان، زمان و ...

۲- کلماتی که معنای آن‌ها تغییر یافته است، مانند مصالح، رسوم، تسلیت و ...

در این پژوهش آن دسته از وام‌واژه‌هایی را بررسی می‌کنیم که معنای خود را در زبان فارسی حفظ کرده و به کار برده می‌شوند؛ مانند مسجد، عبادت، حج، زکات، خمس، رکوع، سجده، افطار، درس، تاریخ، عصر، شهید، مصیبت، رحمت، نعمت، مدرسه، معلم، کتاب و ...

وام‌واژه‌هایی که معنای خود را حفظ کرده و به کار برده می‌شوند را می‌توان به اقسام زیر تقسیم‌بندی کرد:

- واژگانی که جنبه‌های دینی دارند: غالب این واژگان به جنبه‌هایی از دین اسلام، چه در عقاید، چه در احکام و چه در تاریخ آن مربوط می‌شود و عین واژگان با همان معنا و کاربرد استفاده می‌شود؛ مانند قرآن، زکات، حج، خمس و... (نظری و اسدالله پور عراقی، ۱۳۹۴: ۹۳).

- واژگانی که با سیستم اداری و سیاسی دولت جدید اسلامی مرتبط است؛ مانند امام، عضو، حمله، قانون، شرع، عرف و... (ندا، ۱۳۹۲: ۷۶).

- واژگانی که نه جنبه دینی و نه جنبه سیاسی و اداری دارند؛ مانند مدت، مقدار، نصیحت، ساعت، جسم، قوی، صحرا، حکمت، سؤال، جواب، شجاع، صاف، ساق، ارجاع، مراجع، نجار، بنا و...

- واژگان تنوین دار عربی بسیاری وارد زبان فارسی شده که چه در محاوره و چه در نوشتار کاربرد دارد. این واژگانی که در فارسی به کار می‌روند غالباً قیدند ولی به ندرت به عنوان صوت، صفت، اسم و پیوند هم استعمال می‌شوند؛ مانند قطعاً، حتماً، بعضاً و...

البته باید این نکته را یادآور شد که کلمات و ترکیبات عربی تحت تأثیر ویژگی‌های زبان فارسی و قواعد آن یا بر اثر نارسایی خط یا در نتیجه قرینه‌سازی و قوانین کلی زبان‌شناسی تغییراتی در لفظ یا در املاء کرده‌اند (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۱۶۷).

آنچه از زبان عربی وارد فارسی شده از اقسام اسم، فعل و حرف، بیشتر اسم‌ها هستند. بعضی از اسم‌ها گاه در شکل ظاهر تغییر یافته‌اند، از آن جمله تعدادی از کلمه‌هایی که مختوم به الف مقصوره (ی) که در فارسی با الف نوشته می‌شوند؛ مانند تمناً و یا کلماتی که دارای (تای مصدری) هستند و به صورت (ت) نوشته می‌شوند؛ مانند رحمت، رأفت، محبت و عفت که رحمه، راقه، محبه و عفه بوده است و بعضی در تلفظ تغییر یافته‌اند؛ مانند تمام مصادر باب مُفاعله که به (فتح عین) است و در فارسی عموماً با (کسر عین) تلفظ می‌شود؛ و نیز مانند کلمات بسیاری چون صدا و طلا که اولی به فتح اول است و دومی به کسر ولی اغلب اولی را به کسر و دومی را به فتح تلفظ می‌کنند. یا مثلاً (ی نسبت) در عربی مشدد است ولی در فارسی با تخفیف ادا می‌شود (نحوی، ۱۳۶۸: ۱۳).

باید به این نکته اشاره کنیم که آن مقدار که عربی از زبان فارسی واژه‌های قرضی گرفته است از زبان‌های هم‌ریشه یعنی سریانی و عبری نگرفته است. تعداد واژگانی که از زبان فارسی وارد زبان عربی شده‌اند، ۲۵۰۰ کلمه تخمین زده‌اند که برخی از پژوهشگران عرب، آن را تا ۴۰۰۰ واژه نیز دانسته‌اند (آذرنوش، ۱۳۸۷: ۲۴۶).

واژگانی که از زبان فارسی وارد زبان عربی شده در زمینه‌های مختلفی مانند اسامی گیاهان، ابزارآلات، نظامی و تمدنی می‌باشند. طه ندا و امام شوشتری عقیده دارند: بسیاری از این کلمات به نشانه‌های تمدن ایرانی مربوط می‌شوند (ندا، ۱۳۹۲: ۶۴؛ امام شوشتری، ۱۳۴۷: ۱۳).

آدی شیر در کتاب خود با عنوان «الألفاظ الفارسیة المعربة» به گردآوری مجموعه بزرگی از این واژگان اقدام کرد. برخی از این واژگان عبارتند از:

الابریق = معرب آبریز: چیزی که آب را با آن می‌ریزند.

الابهة = عظمت و بزرگی، معرب کلمه آب‌بها به معنی زیبایی و شکوه

الأستاذ = معلم و رئیس در صنعت و حرفه‌ای. فارسی آن استاد است (آدی شیر، ۱۹۸۸: ۲۵).

بنابراین نکته مهم این است که برای شناخت معنای واژگان در هنگام استفاده از زبان عربی باید به تداخل واژگانی (وام‌واژه‌ها) توجه کرد. توجه به این نکته ضروری است که این وام‌واژه چه معنایی در زبان فارسی دارد. آیا همان معنای عربی را دارد یا متحول شده است تا با گزینش درست واژگان خللی در معنا و مقصود ایجاد نکنیم.

۵. تشابه دستوری

تعداد مقوله‌های دستوری زبان فارسی بیشتر از زبان عربی بوده و آن هفت نوع است. گرچه برخی بیش از هفت نوع دانسته‌اند. این مقوله‌های دستوری عبارتند از: اسم، فعل، ضمیر، صفت، قید، حرف و صوت یا شبه جمله؛ اما زبان عربی از سه مقوله تشکیل می‌شود: اسم، فعل و حرف.

اگرچه به ظاهر تنها در سه مقوله با هم مشترک هستند اما به این مفهوم نیست که زبان عربی ضمیر، صفت، قید، صوت یا شبه جمله ندارد. بلکه ضمیر، صفت و قید در مقوله اسم مورد بررسی قرار می‌گیرند و شبه جمله نیز در اسم فعل یا صوت جای می‌گیرد که باز از مقوله اسم به شمار می‌رود. در زبان عربی اصل بر آن است که جمله با فعل شروع شود. در واقع در زبان عربی جمله فعلیه مرسوم است اما به این صورت نیست که دیگر نتوان جمله را با اسم شروع کرد؛ بلکه جمله اسمیه ویژگی‌هایی دارد که گاهی لازم است جمله را با اسم شروع کرد؛ اما در زبان فارسی، جمله فقط با اسم شروع می‌شود و اگر کسی جمله‌اش را با فعل شروع کند، جمله‌اش نامفهوم و نامأنوس خواهد بود.

بنابراین می‌توان جمله اسمیه را با جمله فارسی تطبیق داد. از این منظر تداخلی که بین دو زبان وجود دارد، می‌تواند مثبت بوده و به نوآموزان زبان عربی کمک شایانی کند. به عنوان مثال: علی دانش آموز است: علیٌّ طالبٌ.

اگر بخواهیم شباهت‌های فعل در دو زبان فارسی و عربی را بررسی کنیم یکی از بارزترین شباهت‌ها زمان است. زمان افعال فارسی و عربی یکسان است که عبارت است از: ماضی (گذشته)، مضارع (حال)، مستقبل (آینده) (البته در عربی مستقبل جزئی از زمان مضارع است). همان طوری که فعل‌های ماضی، مضارع و مستقبل در فارسی نشانه‌هایی دارند که آن‌ها را از هم متمایز می‌سازد در عربی نیز این چنین است.

در فارسی به ابتدای ریشه فعل در زمان ماضی حرفی افزوده نمی‌شود در عربی نیز به این ترتیب است و شناسه‌ها در آخر فعل می‌آیند؛ مانند رفتند: ذَهَبَا، ذَهَبْتَا، ذَهَبُوا و ذَهَبْنَا؛ رفتیم: ذَهَبْنَا.

در عربی، نشانه‌های فعل مضارع (أ، ت، ی، ن) + فعل ماضی؛ در فارسی نشانه فعل مضارع + بن فعل. شناسه‌ها در هر دو در قسمت پایانی فعل می‌آیند.

فعل مستقبل در فارسی به دو صورت ساخته می‌شود:

- فعل معین «خواهم، خواهی، خواهد، خواهیم، خواهید، خواهند» + سوم شخص فعل ماضی؛ مانند خواهم رفت، خواهی رفت، خواهد رفت ...

- فعل معین «می‌خواهم، می‌خواهی، می‌خواهد، می‌خواهیم، می‌خواهید، می‌خواهند» + فعل مضارع التزامی؛ مانند می‌خواهم بروم، می‌خواهی بروی، می‌خواهد برود ...

در زبان عربی دو پیشوند آینده‌ساز وجود دارد: «س» و «سوف». این پیشوندها در ابتدای فعل مضارع قرار می‌گیرند و فعل مستقبل می‌سازند. «س» به آینده نزدیک و «سوف» به آینده دور دلالت می‌کند؛ البته این نکته صد در صد نیست و به جای یکدیگر هم استفاده می‌شوند؛ بنابراین: خواهیم رفت معادل است با سوفَ أَذْهَبُ و سأَذْهَبُ (وفایی، ۱۳۹۱: ۱۱۳ و ۱۱۴).

از نظر شخص افعال در عربی که در اصطلاح صیغه گفته می‌شود، چهارده صیغه دارند و فارسی شش شخص دارند. این کمی تعداد صیغه‌ها در زبان فارسی به این خاطر است که در فارسی افعال، تشبیه، مذکر و مؤنث ندارند و افعال مفرد و یا جمع هستند؛ اما می‌توان با معادل‌سازی در زبان عربی آن‌ها را به هم تطبیق داد و به یک شباهت تبدیل کرد. در چند سال اخیر در کتاب‌های عربی متوسطه، افعال عربی به صورت فارسی آموزش داده می‌شود. به این صورت که شش صیغه فارسی در زبان عربی معادل‌سازی می‌شود؛ به عنوان مثال در دوم شخص مفرد یعنی ضمیر «تو» که برای مذکر و مؤنث یکی بوده و یک فعل دارد اما در زبان عربی ضمیر «تو» برای مذکر «أنت» و مؤنث «أنتِ» است. به همین ترتیب در فعل نیز تغییراتی حاصل می‌شود: در ماضی: أنتَ ذَهَبْتَ // أنتِ ذَهَبْتِ و در مضارع: أنتَ تَذْهَبُ // أنتِ تَذْهَبِينَ.

با توجه به تجربه آموزش با این شیوه دریافته‌ایم که از فارسی به عربی رفتن، به نظر می‌رسد برای دانش‌آموزان ملموس‌تر بوده و بهتر می‌توانند یاد بگیرند.

اگر بخواهیم نشانه‌های اسم در زبان عربی و فارسی را باهم مقایسه کنیم، متوجه خواهیم شد که در برخی نشانه‌ها باهم مشترک هستند به استثنای «تنوین و ال» که ویژه زبان عربی است. در ذیل این تشابهات بررسی می‌شود:

۱- وابسته پذیری

- اسم، صفت می‌گیرد و نیز پیش از اسم، ضمائر اشاره می‌آیند.

کتاب مفید: کتابُ مفیدٌ گلِ زیبا: وردهٌ جمیله

این کلاس: هذا الصَّفَّ آن روزها: تلكَ الأيام

- پذیرش مضاف‌الیه

آرد گندم: دَقِيقُ القَمَحِ فروشگاه شهر: مَتَجَرُ المَدِينَةِ

- پذیرش نشانه‌های ندا

ای استاد: یا أستاذُ ای علی: یا عَلِيُّ

۲- وجود نشانه نکره در اسم

شایان ذکر است که نشانه‌های نکره در دو زبان باهم تفاوت دارند؛ اما نکته اصلی آن است که نکره بودن اسم در دو زبان وجود دارد.

مردی یا یک مرد: رجلٌ خودرویی، یک خودرو: سَيَّارَةٌ

اگرچه در آخر اسم‌های عربی تنوین آمده است، اما تنوین همیشه نشانه نکره بودن اسم نیست.

زبان عربی و فارسی از حیث اسم‌های مشتق در سه مورد با هم اشتراک دارند:

- اسم مکان: عبادتگاه: مَعْبَد آشپزخانه: مَطْبَخ ورزشگاه: مَلْعَب فروشگاه: مَتَجَر

- اسم زمان: محل غروب خورشید: مَغْرَب محل طلوع خورشید: مَشْرِق زمان وعده: مَوْعِد

- اسم آلت (ابزار): سوهان: مِرْد جارو: مِکْنَسَه قیچی: مِقْرَاض چکش: مِطْرَقَه

همچنین در باقی ارکان دستوری نیز تشابهاتی وجود دارد که به آن اشاره خواهد شد. باید به این نکته اشاره کرد که تشابهات در زمینه اسم‌ها بیشتر و محسوس‌تر از فعل و حرف است. در این بخش به تشابهات اسمی از نظر جایگاه آن در ترکیب یا جمله می‌پردازیم:

- در ترکیب وصفی: در زبان فارسی صفت بعد از موصوف می‌آید، در عربی نیز صفت بعد از موصوف می‌آید.

مانند دانشجوی کوشا: الطَّالِبُ النَّشِيطُ باغ زیبا: الْحَدِيقَةُ الْجَمِيلَةُ

- در ترکیب اضافی: در زبان فارسی مضاف‌الیه بعد از مضاف می‌آید، در عربی نیز مضاف‌الیه بعد از مضاف می‌آید.

مانند کتاب دانشجو: كِتَابُ الطَّالِبِ ديوار خانه: جِدَارُ الْبَيْتِ

- در عدد و معدود: در فارسی عدد اصلی (۱، ۲، ۳ و...) قبل از معدود می‌آید، در عربی نیز این چنین است.

مانند پنج کتاب: خَمْسَةُ كُتُبٍ پانزده دانشجو: خَمْسَةُ عَشَرَ طَالِبًا

در اعداد ترتیبی، در زبان فارسی عدد ترتیبی بعد از معدود می‌آید و در عربی نیز این چنین است.

کلاس هشتم: الْصَّفِّ الثَّامِنِ درخت دهم: الشَّجَرَةُ الْعَاشِرَةُ

- در ضمائر پرسشی و اسم یا حرف استفهام: در زبان فارسی ضمائر پرسشی در ابتدای جمله واقع می‌شوند و در عربی نیز ادوات استفهام صدارت طلب هستند.

مانند کجا رفتی؟ أَيْنَ ذَهَبْتَ؟ چطور رسیدی؟ كَيْفَ وَصَلْتَ؟ چند عدد مداد داری؟ كَمْ قَلَمًا عِنْدَكَ؟

آیا غذایت را خوردی؟ هَلْ أَكَلْتَ طَعَامَكَ؟ چه زمانی بر می‌گردد؟ مَتَى تَرْجِعُ؟ چه چیزی خریدی؟ مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟

- نهاد و گزاره و مبتدا و خبر: می‌توان نهاد را با مبتدا و گزاره را با خبر مطابقت داد. در زبان فارسی همه جملات با یک اسم شروع می‌شود که به آن اسم «نهاد» و درباره آن اسم، خبری داده می‌شود که به آن «گزاره» گفته می‌شود. به عبارت دیگر گزاره بخشی از جمله است که گوینده در آن خبری را درباره نهاد بیان می‌کند. در زبان عربی بهتر است جمله با یک فعل شروع شود؛ اما اگر با یک اسم شروع شود، به آن اسم «مبتدا» گویند و (گزاره) خبر، اسم یا جمله یا شبه جمله است که به مبتدا نسبت داده می‌شود.

مانند هوا سرد است: الْجَوُّ بَارِدٌ احمد رفت: أَحْمَدُ ذَهَبَ

خانه علی دور است: بَيْتٌ عَلَى بَعِيدٍ رَنُوكٌ سَبِزٌ زِيَابُست: اللُّونُ الْأَخْضَرُ جَمِيلٌ

- برخورداری از ضمائر منفصل و متصل: در هر دو زبان ضمیر منفصل پیش از فعل آمده و ضمیر متصل به فعل چسبیده و با ضمیر منفصل تناسب دارد.

مانند تو پیراهنی خریدی: أَنْتَ اشْتَرَيْتَ قَمِيصًا. ضمیر منفصل: تو، أَنْتَ؛ ضمیر متصل: ی، تَ

آن‌ها به زبان فارسی صحبت می‌کنند: هُم يَتَحَدَّثُونَ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ. ضمیر منفصل: آن‌ها، هُم؛ ضمیر متصل: ند و

- ضمیر متصلی که بعد از اسم می‌آید، نقش مضاف‌الیه را دارد.

پرچم ما یا پرچممان: عَلَمَنَا (عَلَم + نا) خانه شما یا خانه‌تان: بَيْتِكُمْ (بَيْت + كُمْ) (آذرشب، ۱۳۸۳: ۲۹ و ۳۸).

اما در مقایسه حروف:

- حروف جر عربی معادل حروف اضافه فارسی است. حروف جر همانند حروف اضافه تنها با اسم می‌آیند. همچنین حروف جر و اضافه پیش از اسم می‌آیند.

مانند بر روی میز: عَلَى الْمِنْضَدَةِ در مدرسه: فِي الْمَدْرَسَةِ برای پدرم: لِوَالِدِي از روستا: مِنَ الْقَرْيَةِ

- حروف نفی و نهی: در فارسی حروف نفی و نهی قبل از فعل می‌آیند، در عربی نیز حروف نفی و نهی قبل از فعل

می‌آیند.

مانند نمی‌سازم: لَا أَصْنَعُ نُوشت: مَا كَتَبَ يَا كَمْ يَكْتُبُ نَسازید: لَا تَصْنَعُوا، لَا تَصْنَعُوا، لَا تَصْنَعُونَ

نتیجه

تحقیقات نشان می‌دهد که تداخل انواعی دارد: ۱- تداخل واجی ۲- تداخل واژگانی ۳- تداخل دستوری. تداخل بر یادگیری نیز دو نوع تأثیر دارد: ۱- تأثیر مثبت ۲- تأثیر منفی. هر یک از انواع تداخل ذکر شده، بین فارسی و عربی وجود دارد. علی‌رغم تأثیر منفی تداخل بین فارسی و عربی، تداخل مثبت بین فارسی و عربی را با ذکر شواهد مورد بررسی قرار دادیم. می‌توان با بهره‌گیری از این ویژگی‌های مثبت فرایند یادگیری و آموزش را به پیش برد. در ادامه فرایند تعلیم و تعلم، زمانی که زبان‌آموز درک نسبی از زبان دوم و ویژگی‌های زبانی آن پیدا کرد، می‌تواند بین شباهت‌ها و تفاوت‌ها تمیز قائل شود. ما با استفاده از منابع و مصادر تألیف شده در این زمینه تشابهات واجی (حرفی)، واژگانی و دستوری را استخراج کرده و بین دو زبان تطبیق داده‌ایم. آنچه در تشابه واجی وجود دارد، اشتراک دو زبان در حروف (به جزء پ، چ، ژ، گ) است. نکته مهم در این زمینه این است که تفاوت تلفظی برخی از حروف بین دو زبان باید مدنظر قرار داده شده و درست تلفظ شود. در زمینه تشابه واژگانی که پرکاربردترین بخش تداخلی به شمار می‌آید و در هنگام استفاده از زبان محسوس و آشکار است، باید بگوییم که وام‌واژه‌های موجود در زبان فارسی بسیار زیادند. برخی از این وام‌واژه‌ها، معنایی یکسان در فارسی و عربی دارند و در امر یادگیری به زبان‌آموز کمک می‌کنند. با این تفاوت که ممکن است برخی واژگان در ظاهر تغییر کرده باشند. برخی دیگر از وام‌واژه‌ها هستند که تحول یا تغییر معنایی پیدا کرده‌اند که نویسندگان در مقالات متعدد به این زمینه پرداخته‌اند. تشابه دستوری بسیاری بین دو زبان وجود دارد؛ از جمله در نقش‌ها یا قرار گرفتن اجزاء در جمله. شواهد و مصداق‌های موجود را با ذکر مثال بررسی کردیم. تشابه دستوری بهترین ابزاری است که اساتید زبان عربی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند در آموزش قواعد عربی از آن بهره ببرند. به‌عنوان مثال در تدریس بخش جمله اسمیه می‌توان ابتدا نهاد و گزاره فارسی را برای یادگیرنده (دانش‌آموز یا دانشجو) توضیح داد و سپس با مبتدا و خبر در عربی مطابقت داد:

علی (نهاد) موفق می‌شود (گزاره) علی (مبتدا) ینجح (خبر)

و یا در تدریس ترکیب اضافی و وصفی به تشابه ترتیب و جایگاه مضاف و مضاف‌الیه و موصوف و صفت در دو زبان اشاره کرد:

ترکیب اضافی: کتاب (مضاف) دانش‌آموز (مضاف‌الیه) کتاب (مضاف) الطالب (مضاف‌الیه)

ترکیب وصفی: مرد (موصوف) بزرگ (صفت) رجل (موصوف) کبیر (صفت)

پیشنهاد

در زمینه تشابهات، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. این موضوع به این دلیل است که بیشتر پژوهش‌گران به تفاوت‌ها و موانع یادگیری پرداخته‌اند. لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت درس عربی در مدارس و دانشگاه‌ها پژوهش‌گران به پژوهش‌های بیشتری در زمینه تشابهات بین فارسی و عربی توجه کرده تا بتوانند با این کار گامی در راستای تسهیل و توسعه آموزش و یادگیری زبان عربی بردارند. برای تکمیل این پژوهش می‌توان تأثیر تشابهات دستوری بین زبان فارسی و عربی را در یادگیری قواعد درس عربی در دبیرستان مورد بررسی قرار داد.

منابع عربی

شیر، اُدی، (۱۹۸۸ م)، **الألفاظ الفارسیة المعربة**، الطبعة الثانية، قاهره، دار العرب.
 فهمی حجازی، محمود، (۲۰۰۶ م)، **مدخل إلى علم اللغة**، الطبعة الرابعة، قاهره الدار المصریة السَّعودیة.

منابع فارسی

آذرشب، محمد علی، (۱۳۸۳)، **آموزش زبان فارسی برای عرب‌زبانان**، تهران، انتشارات الهدی.
 آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۷)، **چالش میان فارسی و عربی**، تهران، نشر نی.
 اچیسون، جین، (۱۳۷۱)، **مبانی زبانشناسی**، ترجمه محمد فائض، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه.
 امام شوشتری، محمد علی، (۱۳۴۷)، **فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی**، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
 اکبری، فاطمه، (۱۳۹۱)، **درسنامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان**، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
 العزاوی، نعمه رحیم، (۱۳۹۲)، **روش‌شناسی پژوهش‌های زبان‌شناختی**، ترجمه جواد اصغری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 فرشیدورد، خسرو، (۱۳۷۳)، **عربی در فارسی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 گالیسون، روبرو، ژیرار، دنی، (۱۳۶۶)، **زبانشناسی کاربردی و علم زبان‌آموزی**، ترجمه، اقتباس و نگارش الله‌وردی آذری نجف‌آبادی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
 نحوی، سید محمد، (۱۳۶۸)، **فرهنگ وام‌واژه‌های عربی در فارسی**، تهران، انتشارات اسلامی ندا، طه، (۱۳۹۲)، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه زهرا خسروی، تهران، نشر فرزانه روز.
 ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۶۵)، **تاریخ زبان فارسی**، جلد اول، تهران، انتشارات فردوس.
 وفایی، عباسعلی، (۱۳۹۱)، **دستور تطبیقی (فارسی - عربی)**، تهران، انتشارات سخن.

مجله عربی

المکی، میسر أحمد، (۱۴۲۶ ق)، **نظریات تعلّم اللغة الثانية وکیفیه الإفادة منها لتقویم و تطوير تعليم العربية کلغة ثانية**، **مجله آفاق الحضارة الإسلامية**، العدد ۱۶ - السنة الثالثة، عدد الصفحات (۶۰ تا ۶۱).

مجلات

حسینان، حسین، (۱۳۶۶)، «مسئله تداخل در یادگیری زبان خارجی»، **مجله رشد آموزش زبان**، شماره ۱۱ و ۱۲، سال ۳، شماره صفحه (۸ تا ۹).
 صادقی، علی اشرف، (۱۳۸۶)، «تأثیر زبان عربی بر آواهای زبان فارسی»، **گزارش فرهنگستان زبان و ادب فارسی**، شماره ۵، شماره صفحه (۷۲ تا ۷۴).

- عامری، حیات، (۱۳۹۶)، «مقاله وام‌واژه‌های عربی در فارسی، بررسی تحولات آوایی و معنایی»، **دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی - عربی**، شماره ۲، شماره صفحه (۹۲).
- عیلانی، رزیتا، (۱۳۸۰)، «تأثیر تداخل زبان مادری در آموزش زبان دوم»، **مجله رشد آموزش زبان**، سال ۱۵، شماره ۶۰، شماره صفحه (۴ تا ۸)
- قناعت پیشه، عترت الزهرا، (۱۳۸۵)، «بررسی میزان تداخل زبان فارسی در یادگیری زبان انگلیسی زبان‌آموزان دوره متوسطه»، **مجله رشد آموزش زبان**، دوره ۲۰، شماره ۳، شماره صفحه (۱۳).
- گنجی، نرگس، جلائی پیکانی، مریم، (۱۳۸۷)، «تداخل و تأثیر آن در نگارش عربی دانشجویان فارسی‌زبان»، **مجله علمی و پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی**، شماره ۱۰.
- متولیان نائینی، رضوان، استوار ابرقوئی، عباس، (۱۳۹۴)، «نقش تداخل در پیدایش خطاهای نحوی در نگارش فارسی آموزان عرب‌زبان»، **مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی**، دوره ۳، شماره ۲.
- میردهقان، مهین ناز، بلوک اصلی، مهرداد، (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر تداخل زبان فارسی در یادگیری زبان انگلیسی»، **مجله رشد آموزش زبان**، دوره ۲۵، شماره ۳.
- نظری، علیرضا، (۱۳۹۳)، «گونه‌شناسی چالش‌ها و جایگاه ترجمه ماشینی از عربی به فارسی»، **مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی**، شماره ۱۱، شماره صفحه (۴۹)
- نظری، علیرضا، اسدالله پور عراقی، زهره، (۱۳۹۴)، «تداخل زبانی و دگرگونی معنایی وام‌واژه‌های عربی و جنبه‌های تأثیر آن بر ترجمه از عربی»، **مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی**، شماره ۱۳، شماره صفحه (۹۳ تا ۹۵).

Reference

Robert L. Pulitzer, *Foreign Language: A Linguistic Introduction*. (Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall, Inc), 1970

The effect of positive language interference on learning Arabic

Abstract

The relationship between Iran and the Arab countries and the divergence of these two languages from each other has led to many similarities in the bilingual language system. One of the important issues in this regard is the phenomenon of "linguistic interference" that occurs when using the Arabic language and affects the process of teaching and learning Arabic. The linguistic interference between these two languages has two effects: 1- Positive effect 2- Negative effect. In addition to the negative effect, interference also has a positive effect, which can facilitate the positive aspects of interference to facilitate the teaching and learning of the Arabic language. In this research, by extracting the similarities in phonology, words and grammar of two languages and putting them together, we want to examine the fact that the interaction between the two languages is not only negative but also positive and the learner knows These linguistic similarities can better learn some concepts (from phonology to grammar) in Arabic. Thus, have deeper and more conscious learning. The results show that many Arabic words in Persian have not undergone a semantic change and have the same meaning in both languages that this lack of semantic change will make it easier to learn some of the words involved. On the other hand, there are some grammatical similarities between the two languages, which facilitate teaching and learning by using Arabic language teachers and instructors of these similar grammatical interactions between the two languages in the teaching process. The second language learner is always looking for a way to make learning easier and more attractive to him, so by using more of these similarities and reminding the learner during the training, his desire to learn Arabic will increase.

Keywords: Linguistic similarities, Linguistic interference, Positive interference, Arabic language teaching